

Designing a Model for Improving Soft Power Capacity in the Defense Policy of the Islamic Republic of Iran, Emphasizing on the Strategies for Its Realization

*Y'aghoob Yousefvand*¹

*Muhammad Mahdi Maleki karam abad*²

Ways of ensuring security and confronting environmental threats and dangers involvss top prioritiss of government's decision-making and policymaking. In the meantime, due to the upgrading of soft threats, it is necessary to consider various dimensions of soft power, along with hard power, in pursuing defense and security policies. Countries which make good use of their soft power capacities in their defense policies achieve significant successes in their defense and security without suffering from excessive military costs. Hence, this study is intended to make an attempt to design a model for improving the capacity of soft power in the defense policy of the Islamic Republic of Iran. To do this, the data was collected by survey method (interviews), and qualitative data analysis (grand theory method) was used for data analysis. The statistical population of this study consists of 22 professors, experts, and researchers in the field of this research selected by chain sampling method. The results indicated that the enhancement of soft power capacities in Iranian defense policy can bring about both positive and successful effects and implications in the formulation and implementation of defense policies. It can also result in positive outcomes at national and international levels for the Islamic Republic of Iran.

Keywords

Defense policy making, soft power, defense policy, defense strategy



1. PhD in political science, public policymaking, Lecturer at Imam Ali Military University, Tehran, Iran yousefvand.yagoob@gmail.com

2. PhD candidate in science and technology policy, Lecturer at Imam Ali(AS) Military University, Tehran, Iran mehdi_maleki15@yahoo.com

طراحی الگویی از چگونگی ارتقای ظرفیت‌های قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی جمهوری اسلامی ایران؛ با تأکید بر راهبردهای تحقق آن

یعقوب یوسفوند^۱

محمد مهدی ملکی کرم‌آباد^۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۷/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۰۸

نشریه علمی آفاق امنیت / سال چهاردهم / شماره پنجاهم - بهار ۱۴۰۰

چکیده

چگونگی تأمین امنیت و مقابله با تهدیدات و مخاطرات محیط پیرامونی، یکی از موضوعاتی است که در صدر اولویت تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری دفاعی - امنیتی دولت‌ها قرار دارد. در این بین، با توجه به گسترش تهدیدات نرم، توجه به ابعاد مختلف قدرت نرم در کنار قدرت سخت، در پیگیری سیاست‌های دفاعی و امنیتی ضرورت پیدا می‌کند. کشورهایی که از ظرفیت‌های قدرت نرم در سیاست‌گذاری‌های دفاعی خود درست استفاده نمایند، پیروزی‌های قابل توجهی را در حوزه دفاع و امنیت بدون صرف هزینه‌های گزاف نظامی، به‌ارمغان خواهند آورد. از این‌رو، در این پژوهش تلاش شده است الگویی از چگونگی ارتقای ظرفیت‌های قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی ج.ا.ایران ارائه شود. برای این کار، به شیوه میدانی (مصاحبه) داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری و با استفاده از روش گراند‌تئوری (داده‌بنیاد)، تجزیه و تحلیل کیفی داده‌ها انجام گرفته است. جامعه آماری این تحقیق شامل تعداد ۲۲ نفر از استادان، صاحب‌نظران، پژوهشگران و کارشناسان حوزه پژوهش است که با استفاده از روش تعیین نمونه‌گیری زنجیره‌ای انتخاب شده‌اند. نتایج حاصله حاکی از آن است که ارتقای ظرفیت‌های قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی ج.ا.ایران، آثار و پیامدهای موفقیت‌آمیز و مثبتی را هم در حوزه تدوین و هم در حوزه اجرای سیاست‌های دفاعی و همچنین پیامدهای مثبتی را در سطح ملی و سطح بین‌المللی برای جمهوری اسلامی ایران در پی دارد.

واژگان کلیدی

سیاست‌گذاری دفاعی؛ قدرت نرم؛ سیاست دفاعی؛ راهبرد دفاعی

۱. دکتری علوم سیاسی گرایش سیاست‌گذاری عمومی، مدرس دانشگاه افسری امام علی(ع)، تهران، ایران
yousefvand.yagoob@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری علم و فناوری، مدرس دانشگاه افسری امام علی(ع)، تهران، ایران
mehdi_maleki15@yahoo.com

مقدمه

مسئله امنیت و چگونگی دفاع از کشور در فضای پر از تهدید امروزی، همواره یکی از دغدغه‌های اصلی در حوزه سیاست‌گذاری دفاعی است. سیاست‌گذاری دفاعی یکی از حوزه‌های تخصصی و پیچیده در سیاست‌گذاری‌های دولت‌هاست که «معمولاً شامل افراد و سازمان‌های محدودی می‌شود و داده‌های لازم برای تصمیم‌گیری‌های دفاعی، عموماً جزو داده‌های طبقه‌بندی‌شده، به‌شمار می‌آید و کمتر از دیگر حوزه‌های مطالعاتی سیاست‌گذاری مورد توجه قرار گرفته است» (غرایاق‌زندى، ۱۳۹۰: ۵). با این حال، با حیات و سرنوشت کشور ارتباط مستقیم دارد و دولت باید براساس وظیفه ذاتی خود، سیاست‌هایی را تنظیم و تدوین نمایند که بیشترین منفعت را برای جامعه که همان امنیت و آرامش است، در پی داشته باشد. لازمه تنظیم تصمیم‌ها و سیاست‌های دفاعی مطلوب و اثربخش و همچنین اجرای موفقیت‌آمیز آن سیاست‌ها، توجه به ابعاد مختلف قدرت است. «اهمیت قدرت و حضور آن در تمام شئون زندگی بشر به اندازه‌ای است که عده‌ای آن را به نقش "پول سیاسی" در روابط بین کشورها به‌کار می‌برند» (سیف‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۶۹). بنابراین در فرایند سیاست‌گذاری دفاعی، اگر تدوین سیاست‌ها پرمبنای واقعیت‌های موجود و باتکیه بر توانایی‌های سخت و نرم انجام گیرد، نه تنها شکل‌گیری سیاستی منطقی و اثربخش را موجب خواهد شد، بلکه اجرای موفقیت‌آمیز سیاست‌ها را نیز در پی خواهد داشت.

در عصر کنونی با پیدایش الگوها و ابزارهای نوین تقابل و تهدید و افزایش متغیرهای مؤثر بر عرصه دفاعی - امنیتی، تلفیق پیچیده‌ای از چالش‌های سخت و نرم پدید آمده که حاصل آن پیدایش محیطی بغرنج در حوزه دفاع و امنیت برای کشورهاست (حیات‌مقدم و کلانتری، ۱۳۹۷: ۱۶۷). در این محیط بغرنج و پیچیده بین‌المللی، راهبرد جنگ نرم یکی از راهبردهای اساسی و اثرگذار قدرت‌های استکباری علیه دیگر کشورهاست که مقابله نرم و هوشمندانه با آن و همچنین توجه به ظرفیت‌های قدرت نرم و ارتقای آن در سیاست‌گذاری‌ها به‌ویژه در سیاست‌گذاری‌های دفاعی - امنیتی از ضرورت‌های راهبردی محسوب می‌شوند. برای انقلاب اسلامی ایران نیز، با توجه به نوع نظام سیاسی و اختلافات گسترده ایدئولوژیکی که با قدرت‌های غرب به‌ویژه آمریکا دارد، جنگ نرم و استفاده بهینه از قدرت رسانه‌ای و نرم به‌عنوان یک واقعیت انکارناپذیر علیه جمهوری اسلامی ایران، یکی از تهدیدهایی است که به‌مراتب جدی‌تر از دیگر تهدیدهاست و ممکن است با نفوذ در نیروهای دفاعی، قدرت دفاعی کشور را تضعیف و در نتیجه، امنیت ملی کشور را تهدید نماید. بنابراین، نیاز است برای مقابله با تهدیدهای پیش رو، علاوه بر تقویت بُعد سخت قدرت، به تقویت کاربست بُعد نرم قدرت در فرایند سیاست‌گذاری دفاعی نیز توجه شود.



البته در بند ۵۳ سیاست‌های برنامه ششم توسعه ج.ا.ایران، در بحث سیاست‌های دفاعی - امنیتی، به این مورد یعنی افزایش ظرفیت‌های قدرت نرم اشاره شده است. اما اینکه چگونه می‌توان ظرفیت‌های قدرت نرم را افزایش داد، نیازمند پژوهش‌های علمی و تدوین راهبردهای مؤثر و طراحی الگوهای کاربردی برای این مهم است.

در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر به‌ویژه موضوع قدرت نرم ج.ا. ایران، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است (برای نمونه؛ نک به: جمالی، ۱۳۹۷؛ آقاجانی و عسگری، ۱۳۹۰؛ جنیدی و ملائی، ۱۳۹۸؛ نجفی و خسروی، ۱۳۹۸). باین حال هیچ‌کدام از پژوهش‌های صورت‌گرفته مشخصاً به بحث چگونگی ارتقای ظرفیت‌های قدرت نرم در سیاست‌گذاری‌های دفاعی جمهوری اسلامی ایران اشاره نکرده‌اند. به‌همین‌منظور، این پژوهش درصدد است با ارائه الگویی کاربردی و همچنین طرح راهبردهای مؤثر در این حوزه، به بحث و بررسی پیرامون موضوع بپردازد که این می‌تواند نشان‌دهنده نو و جدیدبودن این پژوهش باشد.

به‌طورکلی، به‌منظور خنثی و بی‌اثر نمودن اقدامات نرم و مقابله با جنگ نرم و روانی دشمن، بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانایی‌های نرم به‌همراه توانایی‌های سخت در سیاست‌گذاری دفاعی جمهوری اسلامی ایران ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است که به‌همین‌خاطر مسئله اصلی این پژوهش، این است که چگونه می‌توان ظرفیت‌های قدرت نرم را در فرایند سیاست‌گذاری دفاعی جمهوری اسلامی ایران ارتقا بخشید؟ و چه راهبردهای در این‌راستا می‌تواند مؤثر باشد؟

مبانی و چارچوب نظری پژوهش

قدرت و رویکردهای آن: قدرت، از مباحث محوری علم سیاست و مورد تأمل در متون و آثار سیاسی است؛ چراکه عامل اعمال اراده، کنترل و یا سلطه یک ملت بر ملت‌های دیگر است و ممکن است به شیوه تهدید و اجبار، تشویق و ترغیب، و یا جذب مبتنی بر رضایت اجرا گردد. اما اینکه چه رویکردهایی نسبت به قدرت وجود دارد و باید شامل چه عناصری باشد که بتواند دولت‌ها و ملت‌های دیگر را تحت تأثیر قرار دهد، اختلاف‌نظر وجود دارد. به‌طوری‌که هر یک از صاحب‌نظران، این یا آن عامل را نسبت به دیگر عوامل حائز اهمیت بیشتر یا حتی دارای نقش تعیین‌کننده معرفی کردند. اما در مجموع، دو رویکرد سنتی و جدید را می‌توان نسبت به وجوه و عناصر قدرت ارائه نمود. در رویکرد سنتی، «تحلیل قدرت بر عناصر ملی متکی است که این میزان قدرت کشورها را برحسب عواملی چون جمعیت، سرزمین، رفاه مادی، نیروی نظامی و قدرت دریایی محاسبه می‌کند. این رویکرد

مبتنی بر درک مکتب واقع‌گرایی است که به بُعد اجبار و عوامل مادی، از جمله قدرت نظامی اهمیت فراوانی می‌دهد» (Baldwin, 2003: 182). بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران، این عوامل را، وجه سخت‌افزاری قدرت نامیده‌اند. بنابراین، در رویکرد سنتی، بُعد مادی قدرت بیشتر مطرح است و قدرت نظامی از اولویت بیشتری برخوردار است.

«از اواخر قرن بیستم، رویکرد جدید یا رویکرد "قدرت رابطه‌ای" رهیافت قبلی را با چالش مواجه کرد. قدرت رابطه‌ای به‌عنوان نوعی علیت توضیح داده می‌شود که در آن، رفتار بازیگر «الف» موجب تغییر در رفتار بازیگر «ب» می‌شود. رفتار نیز شامل باورها، دیدگاه‌ها، عقاید، انتظارات و آنچه زمینه‌کشش است، می‌باشد. تغییر رویکرد از مفهوم قدرت، به‌عنوان منابع مادی، به قدرت به‌عنوان نوعی رابطه، موجب تحول در تحلیل‌های قدرت شد» (Baldwin, 2003: 185 و وحیدی، ۱۳۸۶: ۷۰۰). به‌عبارت‌دیگر، هم‌زمان با ورود به هزاره سوم میلادی و به‌دلیل تغییر ماهیت سیاست‌های بین‌المللی، منابع قدرت نیز تحول یافته و اشکال نامحسوس قدرت از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. در واقع، تحول بستر قدرت در سیاست بین‌الملل موجب شده تا قدرت از خاستگاه اصلی خود تغییر مکان داده و جوامع نیز قدرتمندی را نه در گرو منابع صرفاً مادی، بلکه در توانایی تغییر رفتار دولت‌های دیگر به‌حساب آورند. این بُعد از قدرت، چهره دوم قدرت یا قدرت نرم^۱ خوانده می‌شود (هرسیچ و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۲۷) که به‌خصوص در محافل دانشگاهی، معتقدند که مفهوم‌سازی قدرت نرم با نام جوزف نای^۲ پژوهشگر سیاسی و نظریه‌پرداز آمریکایی گره خورده و وی را نظریه‌پرداز قدرت نرم می‌دانند.

نظریه قدرت نرم: همان‌گونه‌که اشاره شد، اصطلاح قدرت نرم با نام جوزف نای پژوهشگر سیاسی و نظریه‌پرداز آمریکایی، گره خورده است. وی قدرت نرم را وجه دوم قدرت می‌نامد و معتقد است، ماهیت قدرت نرم بر مبنای شکل‌دهی بر ترجیحات دیگران استوار است و این امر به‌گونه‌ای ناملموس و با استفاده از جاذبه‌های فرهنگی، ارزش‌ها و نهادهای سیاسی انجام می‌شود (عسگری، ۱۳۸۹: ۶۷). تشخیص اینکه قدرت می‌تواند بدون کاربرد تهدیدها و یا مشوق‌ها نیز اعمال گردد در آرا متفکرانی پیش از جوزف نای نظیر «میشل فوکو^۳»، «پیر بوردیو^۴» و «آنتونیو گرامشی^۵» و دیگران هم قابل رؤیت است که به‌گونه‌ای از قدرت نرم اشاره‌هایی داشته‌اند. برای نمونه، «استیون لوکس^۶» معتقد است که

1. Soft Power
2. Josef Nye
3. Michel Foucault
4. Pierre boour dieu
5. Antonio Gramsci
6. Steven Lukes



نیازی نیست قدرت الزاماً عریان یا رفتاری باشد، بلکه می‌تواند از طرفی اعمال گردد که به صورت ناخودآگاه بر شکل‌گیری ترجیحات اثر گذارد (لباف، ۱۳۹۰: ۱۰۶). الکساندر ووینگ معتقد است که زیبایی، شکوه و خیرخواهی سه وجه از قدرت هستند که نرمی قدرت از آنها منتج می‌شود که در این میان، زیبایی نقش رابط بازیگران صحنه با آرمان‌ها، ارزش‌ها، انگیزه‌ها و دیدگاه‌های مخاطب را برعهده دارد. شکوه نقش روابط عامل با قدرت نرم را بازی می‌کند که با تحسین همراه است و در مرتبه بعدی خیرخواهی بر نوع دوستی متقابل تأکید دارد (حیدری و قربی، ۱۳۹۵: ۴۸). اما با توجه به نظرات و دیدگاه‌های مطرح‌شده راجع به وجه دوم قدرت به عبارتی بُعد نرم‌افزاری قدرت، در این پژوهش تلاش شده است در چارچوب نظریه جوزف نای که قدرت نرم را در جذابیت فرهنگی، ایدئال‌های سیاسی و سیاست‌های یک کشور به‌ویژه در حوزه دیپلماسی و سیاست خارجی می‌داند، چگونگی ارتقای ظرفیت‌های قدرت نرم ج.ا. ایران در سیاست‌گذاری دفاعی باتأکید بر راهبردهای تحقق آن مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

در نظریه ارائه‌شده از سوی نای، «قدرت نرم عبارت است از توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه است نه اجبار یا تطمیع. قدرت نرم از جذابیت فرهنگ، ایدئال سیاسی و سیاست‌های یک کشور ناشی می‌شود. وقتی سیاست ما از نظر دیگران مشروع و مورد قبول باشد قدرت نرم ما افزایش می‌یابد (Nye, 2002: 6). به اعتقاد نای، ارتش نیز می‌تواند نقش مهمی در تولید قدرت نرم ایفا کند. علاوه بر تجلی قدرت حاصل از ظرفیت‌های قدرت سخت، زمینه‌های نظامی می‌تواند عامل ایجاد تعاملات گسترده بین کشورها در زمان صلح باشد؛ مانند معاملات نظامی، آموزش‌های مشترک با کشورهای دیگر و برنامه‌های کمک نظامی (نای ۱۳۸۷، ۲۰۶). به‌طور کلی، مطابق نظریه نای، قدرت نرم توجه ویژه به اشتغال ذهنی جوامع دیگر از طریق ایجاد جاذبه است و زمانی یک کشور یا یک جامعه به قدرت نرم دست می‌یابد که بتواند اطلاعات و دانایی را به‌منظور پایان‌بخشیدن به موضوعات مورد اختلاف، به‌گونه‌ای بهره‌برداري نمایند که حاصل آن، گرفتن امتیاز باشد (محمدی، ۱۳۸۷: ۲۵). بر این مبنای، قدرت نرم محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار بین‌المللی و نفوذ در افکار عمومی داخلی و خارجی است (افتخاری و کمالی، ۱۳۹۴: ۱۱).

منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران: راجع به منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و واکاوی ابعاد آن، نظرات، دیدگاه‌ها و پژوهش‌های مختلفی انجام گرفته و از حوصله این مقاله خارج است. اما اگر بخواهیم بر مبنای نظریه نای، منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را در سه حوزه فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و دیپلماسی، برشماریم، از یک سو

به دلیل حاکمیت فرهنگ اسلام و تشیع و از سوی دیگر به واسطه جاذبه‌های فرهنگی اصیل و کهن ایرانی، منابع قدرت نرم را باید در مؤلفه‌ها و نمادهای هویت‌بخش و انسجام‌بخش دینی (همچون ایمان به خدا، عنایات و امدادهای غیبی الهی، ولایت‌محوری و رهبری، روحیه عاشورایی، شهادت‌طلبی، ایثار و جهاد در راه خدا، فرهنگ مقاومت و ایستادگی، مهدویت و انتظار ظهور، مساجد و کانون‌های تربیتی، عدالت‌خواهی، ظلم‌ستیزی و حمایت از مظلومان و مستضعفان جهان، کمک‌های بشردوستانه و...) و ملی (با شاخص‌هایی همچون نام سرزمین ایران و وطن‌دوستی ایرانیان، تاریخ و تمدن ایرانی، شعر و موسیقی، آئین‌ها و مراسم‌های ملی، اسطوره‌ها و مفاخر ملی و مذهبی، بسیج عمومی و اراده ملی، وحدت ملی، روحیه ملی، خانواده ایرانی - اسلامی، علم و دانش و...) و دیپلماسی سازنده و مؤثر با جهان براساس اصول عزت، حکمت و مصلحت، جستجو کرد. البته عناصر و بخش‌های مهمی از منابع دینی و ملی با هم تلفیق یافته و غیرقابل تفکیک از یکدیگر می‌باشند.

سیاست‌گذاری دفاعی: سیاست‌گذاری «مجموعه‌ای هدف‌مند از اقدام یا عدم اقدام که از جانب یک بازیگر یا گروهی از بازیگران برای رسیدگی به یک مسئله یا دغدغه اتخاذ می‌شود» (Anderson, 1994: 5) و در معنای عام، به معنای «برگزیدن مهمترین انتخاب‌ها در زندگی سازمان‌یافته (عمومی) یا در زندگی خصوصی» است (Lasswell, 1951: 5). در حوزه دفاعی، سیاست‌گذاری دفاعی فرایندی است در قالب یک برنامه عمل دولتی، در مسیر تحقق چشم‌اندازهای دفاعی و یا در مواجهه با یک تهدید و یا مسئله امنیتی. به عبارت دیگر، سیاست‌گذاری دفاعی «به مثابه فرایندی است که در آن حکومت‌ها، چشم‌اندازهای دفاعی را به برنامه‌ها و اقدامات مبدل می‌کنند تا تحولات مطلوبی در راستای منافع و ساختار امنیتی خود ایجاد نمایند» (زهدی و عسگری، ۱۳۸۷: ۱۳۹). خروجی سیاست‌گذاری دفاعی، تصمیمات و سیاست‌های دفاعی است که به تصویب دولت رسیده است و با امنیت مردم و سرنوشت کشور سروکار دارد. بنابراین، «هدف اصلی سیاست‌گذاری دفاعی، توسعه و تقویت کل توان و نیروهای بالقوه یک ملت برای حفظ امنیت ملی است» (حیدرخانی، ۱۳۷۶: ۷۹). از این رو، «طراحی سیاست‌های دفاعی و نظامی با توجه به محیط پیچیده حال و آینده، یک علم و هنر بسیار ظریف و دقیق به‌شمار می‌رود (حسنلو، ۱۳۸۸: ۱۵۴)». دولت‌ها باید با انتخاب بهترین تصمیم‌ها، مطلوب‌ترین تدابیر دفاعی - امنیتی را برای مقابله با تهدیدها و رسیدن به چشم‌اندازها، اهداف و منافع ملی در جهان نسبتاً مبهم و در حال تغییر امروزی، پیش روی خود قرار دهند.

برای جمهوری اسلامی ایران نیز دغدغه تأمین امنیت و مقابله با تهدیدهای نرم و



سخت، همواره یکی از مسائل مهم دفاعی - امنیتی در سیاست‌گذاری دفاعی محسوب می‌شود؛ چراکه «در عصر کنونی با پیدایش الگوها و ابزارهای نوین تقابل و تهدید و افزایش متغیرهای مؤثر بر عرصه نظامی - امنیتی، تلفیق پیچیده‌ای از چالش‌های سخت و نرم پدید آمده که حاصل آن پیدایش محیطی بغرنج در حوزه دفاع و امنیت برای کشورهاست» (قیصری و خضری، ۱۳۹۵: ۵۸).

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش، از نظر ماهیت، پژوهشی پیمایشی است و از روش گراند‌تئوری (نظریه داده‌بنیاد)^۱ برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. «هدف عمده نظریه داده‌بنیاد، تبیین یک پدیده از طریق مشخص کردن عناصر کلیدی آن پدیده است» (Strauss & Corbin, 1992:76). نظریه داده‌بنیاد یک تئوری نیست، بلکه روش‌شناسی برای کشف نظریه‌های خوابیده در دل داده‌هاست. در این پژوهش تلاش شد از طریق مصاحبه با صاحب‌نظران، کارشناسان و مجریان مرتبط با موضوع پژوهش، اطلاعات و داده‌های لازم گردآوری، با استفاده از روش داده‌بنیاد به بررسی موضوع پرداخته شود. مصاحبه‌های انجام‌شده در پژوهش فعلی با رویکردی اکتشافی صورت گرفته و هدف از آن پاسخگویی به سؤال اصلی پژوهش است. جامعه آماری این تحقیق شامل اساتید، صاحب‌نظران، پژوهشگران و کارشناسان و مجریان مربوط به حوزه این پژوهش است که در این راستا از طریق روش تعیین نمونه‌گیری زنجیره‌ای، تعداد ۲۲ نفر که در زمینه این پژوهش دارای شناخت و تخصص لازم بودند، شناسایی و به‌عنوان حجم نمونه مشخص شده‌اند. همچنین با توجه به ماهیت و روش پژوهش، داده‌ها نیز به صورت کیفی تجزیه و تحلیل گردیده‌اند.

ویژگی‌های جامعه آماری

ویژگی‌های نمونه آماری این پژوهش، در جداول زیر به آن اشاره شده است:

جدول ۱. سطح تحصیلات علمی

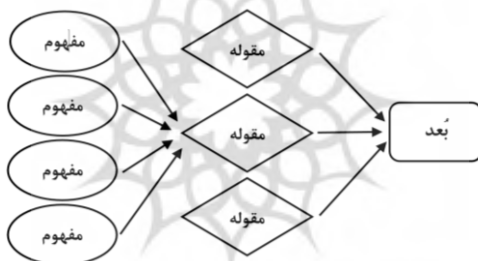
رشته تحصیلی								سطح تحصیلات		
جمع	علوم راهبردی دفاعی و امنیت ملی	خط‌مشی‌گذاری عمومی	سیاست‌گذاری علم و فناوری	جغرافیای سیاسی	معارف اسلامی	روابط بین‌الملل	علوم سیاسی و سیاست‌گذاری عمومی	جمع	دانشجوی دکتری	دکتری
۲۲	۵	۳	۱	۱	۲	۴	۶	۲۲	۳	۱۹

جدول ۲. سابقه مدیریتی و اجرایی در حوزه دفاعی

مدیر ارشد	مدیر میانی	مدیر پایینی و کارگزار عادی	جمع
۵	۴	۳	۱۲

روش تحلیل داده‌ها

باتوجه به روش پژوهش، متن مصاحبه‌ها با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA نسخه ۱۲ مورد تحلیل قرار گرفته و با استفاده از روش کدگذاری (کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی) که نقش کلیدی در فرایند تئوری‌سازی ایفا می‌کند و منطق نظریه داده‌بنیاد است، مفاهیم و مقوله‌های اصلی تعیین شده است. در مرحله اول کدگذاری یعنی کدگذاری باز، مفاهیم بسیاری از دل مصاحبه‌ها به دست آمده که با پالایش این مفاهیم، داده‌ها به مقوله‌های کمتر تقلیل یافته است (شکل ۱). مفاهیم در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، زیرمقوله‌هایی از نوع کدهای باز هستند که وظیفه‌شان ارائه جزئیات بیشتری در مورد هر مقوله است. مقوله‌ها، در مقایسه با مفاهیم انتزاعی‌تر است و سطحی بالاتر را نشان می‌دهد.



شکل ۱. نحوه کدگذاری و تعیین مقوله‌ها و ابعاد پژوهش

در مرحله دوم کدگذاری که به آن کدگذاری محوری گفته می‌شود، باتوجه به عناصر نظریه داده‌بنیاد (یعنی شرایط علی، پدیده محوری، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، پیامدها و راهبردها) پدیده محوری تعیین، ارتباط سایر عناصر با آن مشخص، و گزاره‌های حکمی (قضایا) پژوهش بیان شده است. گزاره‌های حکمی فرضیه‌هایی است که روابط بین مقوله‌ها و عناصر با پدیده محوری را در الگوی ارائه‌شده روشن می‌کنند (شکل ۲).

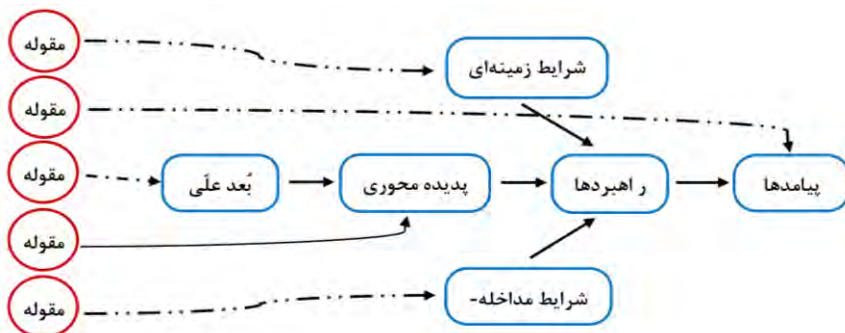
«شرایط علی»: مقوله‌هایی مربوط به شرایطی که بر مقوله محوری تأثیر می‌گذارند؛

«زمینه»: شرایط عامی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند؛

«مقوله محوری»: یک صورت ذهنی از پدیده‌ای که اساس فرایند است؛

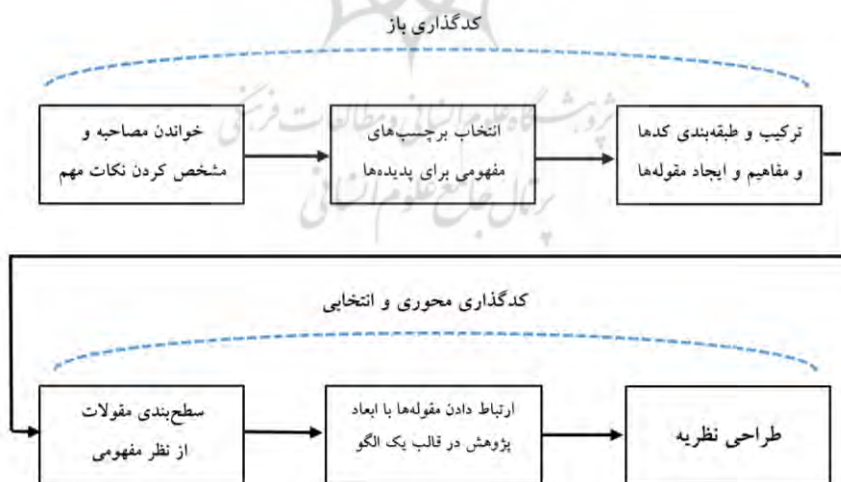


«شرایط مداخله‌گر»: شرایط خاصی که بر راهبردهای تأثیر می‌گذارند؛
 «راهبردها»: کنش‌ها یا برهم‌کنش‌های خاصی که از پدیده محوری منتج می‌شود؛
 «پیامدها»: خروجی‌های حاصل از استخدام راهبردها (دانایی فر و امامی، ۱۳۸۶: ۸۴).



شکل ۲. مدل پارادایمی کدگذاری محوری (کرسول، ۲۰۰۵: ۴۰۱)

در مرحله سوم که کدگذاری انتخابی نام دارد، مقوله‌ها بهبود و یکپارچه می‌گردند. به عبارت دیگر، یک نظریه از روابط فی‌مابین مقوله‌های موجود در مدل کدگذاری محوری به نگارش درآمد و شرحی انتزاعی بر چگونگی ارتقای ظرفیت‌های قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی ج.ا.ایران ارائه می‌شود. در شکل (۳) به‌طور کلی مسیر انجام و تکمیل تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر را براساس نظریه داده‌بنیاد نشان داده است:



شکل ۳. مسیر انجام و تکمیل تجزیه و تحلیل داده‌ها

اعتبار یافته‌های پژوهش

در جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها باید شیوه‌ای به کار گرفته شود که اطلاعات و داده‌های باکیفیت بالا، دقیق و موثق استخراج شود؛ چراکه کیفیت و اعتبار هر پژوهش تا حد زیادی به کیفیت اطلاعات و داده‌های جمع‌آوری شده بستگی دارد (میرزایی، ۱۳۹۰: ۲۰۴). به همین خاطر، شیوه جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها، یا به عبارتی، ابزار سنجش باید از روایی و پایایی لازم برخوردار باشد تا محقق بتواند داده‌های متناسب با تحقیق را گردآوری نماید و از طریق این داده‌ها و تجزیه و تحلیل آنها، فرضیه‌های موردنظر را بیازماید و به سؤال تحقیق پاسخ دهد (حافظنیا، ۱۳۸۶: ۱۵۵). درخصوص اعتبار یافته‌های این پژوهش، اطلاعات از طریق مصاحبه که یکی از باکیفیت‌ترین روش‌های جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات است، به دست آمده است. سؤال‌های مصاحبه با بهره‌گیری از تجارب کارشناسان و صاحب‌نظران حوزه پژوهش طرح شده است، به گونه‌ای که بتواند محقق را در یافتن پاسخ سؤال پژوهش یاری نماید. علاوه بر این، سؤال‌های مصاحبه به صورت کتبی در زمان‌های مختلف با مصاحبه‌شوندگان مطرح شده و بر مبنای ساختار پژوهش، شفاف و دارای کم‌ترین ابهام بوده است. همچنین انتخاب جامعه آماری مرتبط با موضوع پژوهش، به عبارتی انجام مصاحبه با اساتید، پژوهشگران، صاحب‌نظران، کارشناسان و مجریانی که در حوزه موضوع پژوهش از آگاهی و دانش لازم برخوردار هستند، حاکی از پایایی روش مصاحبه و اعتبار بالای یافته‌های این پژوهش است.

تحلیل یافته‌های پژوهش بر اساس عناصر نظریه داده‌بنیاد

در این پژوهش با اتکا به نظریه داده‌بنیاد، داده‌های خام مصاحبه‌ها، در سه رویه کدگذاری باز، محوری و انتخابی کدگذاری شده‌اند؛ به طوری که کدهای مستخرجه از مصاحبه با صاحب‌نظران راجع به چگونگی ارتقای ظرفیت‌های قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی ج.ا.ایران، در قالب ۱۷۱ مفهوم، ۲۳ مقوله و ۶ بُعد (شرایط علی، پدیده محوری، شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای و راهبردها و پیامدها) دسته‌بندی شده است. برای نمونه، در جدول ۱، روش و نتایج کدگذاری باز و محوری (مفاهیم و مقوله‌های مرتبط با بُعد راهبردی)، آورده شده است. در ادامه نیز به تشریح دیگر ابعاد پژوهش پرداخته خواهد شد.

شرایط علی افزایش ظرفیت قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی ج.ا.ایران

شرایط علی عبارت است از حوادث، شرایط یا رویدادهایی که به گسترش و وقوع پدیده‌ای می‌انجامند. بر اساس یافته‌های حاصل از مصاحبه با صاحب‌نظران پژوهش، چهار مقوله تحلیل SWOT (یعنی تقویت نقاط قوت^۱، برطرف نمودن نقاط ضعف^۱، استفاده از



فرصت‌ها^۲ و مقابله با تهدیدها^۳)، نهادینه‌سازی منابع قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی، دفاع همه‌جانبه از اهداف و منافع کشور و نظام سیاسی و ارتقای کارایی و عملکرد سازمان‌های دفاعی به‌عنوان شرایط علی ارتقا افزایش ظرفیت قدرت نرم در فرایند سیاست‌گذاری دفاعی شناسایی شد. بنابراین، این چهار مقوله، موجب ظهور و بروز پدیده‌ای به نام ارتقای افزایش ظرفیت قدرت نرم در فرایند سیاست‌گذاری دفاعی ج.ا.ایران می‌شود و آن را قوت می‌بخشند. علاوه‌براین، در شناسایی هوشمندانه مسائل و تهدیدات، تنظیم دستور کارهای قوی و تدوین سیاست‌های دفاعی اثربخش متأثر خواهد بود.

پدیده محوری پژوهش

مقوله محوری در نظریه داده‌بنیاد، یک صورت ذهنی از پدیده‌ایی است که اساس فرایند است. حادثه یا واقعه‌ای که سلسله کنش و واکنش به سوی آن رهنمون می‌شود تا آن را اداره کند (محمدی فاتح، ۱۳۹۴). پدیده محوری این پژوهش، ارتقای ظرفیت قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی جمهوری اسلامی ایران است. ظرفیت قدرت نرم همان دارایی‌ها و توانایی‌های نرم و غیرمحسوس یک کشور است که موجب جذب و هدایت دیگر کشورها می‌شود. هرچقدر این دارایی‌ها جهان‌شمول‌تر باشند، توانایی‌اش برای تعیین هنجارها و قواعد بین‌المللی بیشتر و به‌عنوان عنصر تنظیم‌کننده رفتار بین‌المللی عمل خواهد کرد.

شرایط زمینه‌ای ارتقای ظرفیت قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی جمهوری اسلامی ایران

شرایط زمینه‌ای، بستر عام را برای اجرای راهبردها به‌وجود می‌آورد. این شرایط عمدتاً به مؤلفه‌های محیط کلان همانند شرایط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، فناورانه و... بستگی دارد. به‌طور کلی، الگوهای زمانی و مکانی پایداری که بر پدیده محوری حاکم است، به‌عنوان بستر در نظر گرفته شده است. در موضوع ارتقای ظرفیت قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی شرایط زمینه‌ای که در خلال مصاحبه‌ها و مطالعه ادبیات تحقیق به‌دست آمده است، شامل پنج مقوله وضعیت مناسب سیاسی جامعه، وضعیت مناسب اقتصادی جامعه، وضعیت مطلوب فرهنگی و اجتماعی جامعه، مساعدبودن وضعیت بین‌المللی و وضعیت مناسب علمی، فناوری و اطلاعاتی می‌باشد.

1. Weakness
2. Threat
3. Opportunity

شرایط مداخله‌گر در ارتقای ظرفیت قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی جمهوری اسلامی ایران

شرایط مداخله‌گرانه براساس نوع سازمان، شهر و کشور متفاوت است و اساساً مختص همان سازمان هستند. شرایط مداخله‌گر باعث تسهیل در اجرای راهبردها شده و در نتیجه کارآمدی سیاست‌گذاری را ارتقا می‌دهد (محمدی فاتح، ۱۳۹۴). در موضوع سیاست‌گذاری دفاعی، متغیرهای مداخله‌گر عواملی هستند که در مسیر حرکت تکاملی فرایند سیاست‌گذاری دفاعی قرار می‌گیرند و تغییرات متغیرهای محوری و اصلی و همچنین تصمیمات دولتمردان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند (تهامی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۷۶). متغیرهای مداخله‌گر در بستر تصمیم‌گیری نقش‌های متفاوتی را ایفا می‌کنند. بعضی از آنها در تعاملات نظام تصمیم‌گیری با محیط خود نقشی سازگار، مثبت و حمایت‌کننده دارند؛ از قبیل فرصت‌ها، نقاط قوت، توانایی‌ها و قابلیت‌های برتر کشور در ابعاد مختلف. برخی دیگر نقشی ناسازگار، منفی و بازدارنده ایفا می‌کنند، نظام تصمیم‌گیری را متأثر می‌سازند و امنیت نظام سیاسی را مورد تهدید قرار می‌دهند؛ از قبیل تهدیدها، نقاط ضعف، محدودیت‌ها، آسیب‌پذیری‌ها و فشارهای داخلی و خارجی (تهامی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۶۴). در این پژوهش، شرایط مداخله‌گرانه، همان توانایی درونی سازمان‌های دفاعی و عوامل بین‌المللی است که در ارتقای ظرفیت قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی ج.ا.ایران مؤثر هستند. براساس کدگذاری مقوله‌های حاصل از مصاحبه، پنج مقوله قابلیت‌های سازمانی، قابلیت‌های مدیریتی، شایستگی‌های فردی سیاست‌گذار و مجری، مدیریت دانش و عوامل بین‌المللی به‌عنوان شرایط مداخله‌گر در ارتقای ظرفیت قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی ج.ا.ایران احصا شده است.

راهبردهای ارتقای ظرفیت قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی ج.ا.ایران

راهبردها، اقداماتی است که برای پاسخگویی به پدیده محوری و اداره و مدیریت آن، صورت می‌گیرد. بنابراین، برای شناسایی و نام‌گذاری مقوله اصلی و ابعاد راهبرد ارتقای ظرفیت قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی، از صاحب‌نظران خواسته شده تا عنوان کنند از چه راهبردهایی می‌توان استفاده نمود تا به ارتقای ظرفیت قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی ج.ا.ایران کمک شود. همان‌گونه که اشاره شد، برای نمونه در جدول (۳)، روش کدگذاری باز و محوری و مفاهیم و مقوله‌های بُعد راهبردی پدیده محوری نشان داده شده است و در ادامه نیز به تشریح راهبردها پرداخته خواهد شد:



جدول ۳. راهبردهای افزایش ظرفیت قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی جمهوری اسلامی ایران

ابعاد پژوهش	مقوله	مفاهیم	منبع
راهبردها	سیاست‌گذاری حرفه‌ای	سیاست‌گذاری مبتنی بر آینده‌نگری	مصاحبه با صاحب نظران و ادیبان تخصصی
		سیاست‌گذاری مبتنی بر نگاه درونی	
		سیاست‌گذاری مبتنی بر جهاد و فرهنگ جهادی	
		سیاست‌گذاری مبتنی بر نوآوری و انعطاف‌پذیری	
		جامعیت‌گرایی در سیاست‌گذاری	
		درس‌آموزی از تجارب موفق و ناموفق گذشته خود و دیگران در سیاست‌گذاری	
		الگوگیری از بخش‌هایی که رشد و پیشرفت داشته‌اند.	
	فعال‌سازی شبکه‌سازی هیئت‌های اندیشه‌ورز	جلوگیری از قطع حلقه‌های یادگیری و انتقال تجربه در اجرای سیاست‌ها	
		بهره‌گیری از نظرات و دیدگاه‌های کارشناسان مراکز تخصصی مطالعات بین‌المللی، راهبردی و پژوهشی در تدوین و اجرای سیاست	
		بهره‌گیری از ایده‌ها و نظرات متخصصان علوم سیاسی، مجریان وادی سیاست و فقیهان متأله در تدوین و اجرای سیاست‌ها	
		مدیریت تمرکزی در مراکز تولید فکر و اندیشه	
		ارائه راهکارها و داده‌های علمی به تصمیم‌گیران	
	سیاست‌گذاری عقلانی	حاکمیت نگاه ملی و فراملی در فرایند سیاست‌گذاری دفاعی	
		تعیین نوع اهداف سیاسی و دفاعی بر مبنای منافع ملی	
شفافیت در مسائل دفاعی			
تصمیم‌گیری گام‌به‌گام و منظم			
پیش‌بینی و تحلیل فایده و هزینه‌ها			
تطبیق سیاست‌ها با ارزش‌های فرهنگی و اعتقادات دینی مردم			
لحاظ‌نمودن ارزش‌های سیاسی در تدوین سیاست‌ها و عمل به آن			
بهره‌گیری از بسته‌های اطلاعاتی موثق و علمی در تدوین سیاست			
استفاده مؤثر از دیپلماسی دفاعی به عنوان ابزار اجرایی نرم سیاست‌های دفاعی			
نظارت مستمر بر کیفیت اجرای سیاست‌ها و ارزیابی آن			
تهیه طرح‌ها و برنامه‌های فرهنگی مناسب	مطابقت راهبردهای دفاعی با سیاست‌های دفاعی و منافع ملی		
	طراحی و اجرای برنامه‌های اصلاح فرهنگی		
	تهیه منشور فرهنگی دفاعی		
	تهیه طرح‌ها و برنامه‌های راهبردی فرهنگی دفاعی		
	تهیه پیوست فرهنگی برای سیاست‌های دفاعی		
ایجاد ساختار متولی فرهنگ در سیاست‌گذاری دفاعی			
ارائه الگوهای موفق اسلامی - ایرانی در حوزه‌های دینی و فرهنگی			



- سیاست‌گذاری حرفه‌ای: سیاست‌گذاری حرفه‌ای برخلاف سیاست‌گذاری عمومی که بر فرایند تعیین راهبردهای سازمان، برای اتخاذ یک تصمیم یا تدوین سیاست‌ها تأکید می‌کند، بر افراد تأکید دارد و معتقد است علاوه بر توجه به فرایند سنتی سیاست‌گذاری، افراد کارآمد، توانا و خلاق امکان هدایت بهتر فرایند سیاست‌گذاری را فراهم می‌کنند. سیاست‌گذار در هر موضوعی، باید علاوه بر شایستگی‌های اولیه، به‌طور مداوم از علوم جدید آگاه باشند، کارهایش مورد بررسی و مذاقه دقیق قرار گیرد، حوزه معلومات وی گسترش یابد. در سیاست‌گذاری حرفه‌ای دو مفروض بسیار جدی وجود دارد: ۱. قبل از هر چیز باید درصد توسعه سیاست‌هایی بود که نتایجی در پی داشته باشد، نه‌اینکه واکنش‌هایی ساده به فشارهای کوتاه‌مدت باشد. ۲. نیاز به تغییرات بدیهی است؛ چراکه جهان برای سیاست‌گذاران به‌طور فزاینده‌ای پیچیده، نامشخص و پیش‌بینی‌ناپذیر است و مراحل، فرایندها و اقدامات باید باتوجه به ملاحظات بیرونی مورد بازبینی قرار گیرند و سیاست‌گذاران خود را با اوضاع جدید تطبیق دهند (غرایاق زندی، ۱۳۹۰: ۴۸). بنابراین در این فضای پر ابهام، سیاست‌گذاری کاری بس دشوار است. مسائل امروز نسبت به گذشته بسیار پیچیده‌ترند و سیاست‌گذاری باید توان رویاروی با این پیچیدگی‌ها را داشته و عمق آنها را درک کند و هرچه بیشتر به سمت حرفه‌ای شدن پیش رود (جعفری و کریمی، ۱۳۹۶: ۵۱). در حوزه سیاست‌گذاری دفاعی نیز باتوجه به تغییرات سریع و متنوع در مسائل و موضوعات دفاعی کشورها و همچنین وجود تهدیدات متنوع و پیچیده، حرکت به سمت سیاست‌گذاری دفاعی حرفه‌ای بیش‌ازپیش احساس می‌شود. سیاست‌گذاری حرفه‌ای دفاعی عرصه خلاقیت، ابتکار و هنرنمایی زیرکانه و هوشمندانه در خلق سیاست‌های آینده‌نگرانه و اثربخش است. از این منظر است که می‌توان گفت سیاست‌گذاری حرفه‌ای در جذابیت سیاست‌های دفاعی و در نتیجه اثرگذاری آنها مؤثر خواهد بود و کاربست قدرت نرم را افزایش خواهد داد. بنابراین، به‌عنوان یکی از راهبردهای ارتقای ظرفیت قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی ارائه شده است. آنچه از خلال مصاحبه‌ها و ادبیات پژوهش به‌عنوان ویژگی‌های سیاست‌گذاری دفاعی حرفه‌ای احصا شده است:

۱. سیاست‌گذاری مبتنی بر آینده‌نگری: «پیش‌نگری و داشتن تفکر راهبردی در خصوص مسائل دفاعی»؛
۲. سیاست‌گذاری مبتنی بر نگاه درونی: تکیه بر توانایی‌ها، استعدادها، قوت‌ها و فرصت‌های داخلی در تدوین و اجرای سیاست‌های دفاعی؛
۳. سیاست‌گذاری مبتنی بر جهاد و فرهنگ جهادی: احساس مسئولیت، عملگرایی، کار و تلاش بی‌وقفه در فرایند تدوین و اجرای سیاست‌های دفاعی؛



۴. سیاست‌گذاری مبتنی بر نوآوری و انعطاف‌پذیری: ابتکارآفرینی و تشویق ایده‌های جدید و خلاقانه؛

۵. جامعیت‌گرایی در سیاست‌گذاری: بررسی جوانب سیاست‌ها و مدنظر داشتن تأثیرات آن بر مردم و یا جامعه هدف؛

۶. درس‌آموزی از تجارب موفق و ناموفق گذشته خود و دیگران در سیاست‌گذاری؛

۷. الگوگیری از بخش‌هایی که رشد و پیشرفت داشته‌اند.

- فعال‌سازی و شبکه‌سازی هیئت‌های اندیشه‌ورز: نخبگان ابزاری هر جامعه، برای اتخاذ تصمیم‌ها و راهبردهای مناسب نیازمند دسترسی به اطلاعات و تحلیل‌های معتبر بوده و ضمن آگاهی از بازخورد سیاست‌های تدوین‌شده گذشته، باید توان انتخاب بدیل‌های مناسب جهت سیاست‌ها و برنامه‌های خود را داشته باشند. اگر معضل جوامع در حال توسعه، فقدان اطلاعات معتبر و کامل است، در کشورهای پیشرفته، حجم انبوه اطلاعات، مشکل است. گرچه دسته‌بندی، بررسی و تحلیل این اطلاعات امری بسیار غامض است، درک بعضی اطلاعات نیز نیازمند برخی تخصص‌ها می‌باشد. پیگیری و اجرای پاره‌ای دیگر از اطلاعات به لحاظ موانع ساختاری و محدودیت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، عملی نیست. بنابراین، با این پیچیدگی‌های موجود بر سر راه تصمیم‌گیران، مدیریت کارآمد این فرایند از لحظه ورود اطلاعات تا تبدیل شدن آنها به سیاست‌های مطلوب و عملی به تنهایی از عهده مجریان بر نمی‌آید. در چنین بستری است که نیاز به هیئت‌های اندیشه‌ورز به‌عنوان میانجی احساس می‌شود (آقاجانی و عسگری، ۱۳۹۰: ۱۳۹). هیئت‌های اندیشه‌ورز به‌واسطه ماهیت هم‌افزایی دانشی، علمی و تخصصی‌شان، باعث بهره‌گیری از نظرات و دیدگاه‌های کارشناسانه متخصصان، مجریان، فقیهان و مراکز تخصصی مطالعاتی شده و از قطع حلقه‌های یادگیری و انتقال تجربه جلوگیری می‌نمایند. علاوه بر این دانش و اطلاعات موثق و راهکارهای علمی را به تصمیم‌گیران ارائه و آنان را از سردرگمی در حجم بالای اطلاعات نجات می‌دهد. هیئت‌های اندیشه‌ورز در عمل می‌توانند کارویژه‌های مختلفی را به همراه داشته باشند و به‌خاطر تبدیل شدن به بازوی مشورتی برای مدیران، می‌توانند با ارائه ایده‌ها و اندیشه‌های نو به مدیران در روند توسعه و پیشرفت سازمان موفق عمل نمایند. از این رو، در تحقق سیاست‌گذاری دفاعی مطلوب مؤثر بوده و به‌عنوان پشتیبان نرم‌افزاری، فکری و مشاوره‌ای سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران دفاعی، نقش‌آفرینی خواهند کرد.

یکی از نکاتی که در حوزه سیاست‌گذاری دفاعی باید به آن توجه کرد، شبکه‌سازی و مدیریت متمرکز اتاق‌های فکر است. شبکه‌سازی هیئت‌های اندیشه‌ورز یعنی برقراری ارتباط مؤثر بین هیئت‌های اندیشه‌ورز و به‌اشتراک‌گذاری اطلاعات مورد نیاز است.

شبکه‌سازی و مدیریت متمرکز هیئت‌های اندیشه‌ورز، ارجحیت‌ها را مشخص می‌کند، خطای رفتارها و تصمیم‌گیری‌های دفاعی را کاهش و سلیقه‌گرایی را کمرنگ می‌سازد که این خود می‌تواند بر کیفیت خروجی سیاست‌گذاری‌ها و جذابیت بیش‌ازپیش سیاست‌ها دفاعی اثرگذار باشد و در نتیجه بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بیفزاید. بنابراین، می‌تواند به‌عنوان یکی از راهبردهای ارتقای ظرفیت قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی ارائه شود.

- سیاست‌گذاری عقلانی: اهمیت تصمیم‌گیری در سیاست‌گذاری به میزان عقلانی‌بودن آن بستگی دارد. در رهیافت جامع عقلانی، سیاست‌گذاران مسئله‌ای را شناسایی می‌کنند، همه جایگزین‌های ممکن را برای رسیدگی به مسئله جستجو می‌کنند و مزایا و معایب هر کدام را می‌سنجند، در نهایت اثربخش‌ترین و کاراترین راه‌حل را بر می‌گزینند (اسمیت و لریمر، ۱۳۹۶: ۸۲). در این مدل، انسان به‌عنوان یک موجود اقتصادی قادر به شناخت سود و زیان ناشی از گزینش راه‌حل‌هاست (ملک‌محمدی، ۱۳۹۴: ۳۳). در حوزه روابط بین‌الملل، یکی از سطوح تحلیل سیاست‌های بین‌الملل، بررسی رفتار دولت‌ها بر پایه ارزیابی تصمیماتی است که سیاست‌گذاران در زمینه‌های مختلف اتخاذ می‌کنند. بدین ترتیب، روش تصمیم‌گیری یکی از چارچوب‌هایی است که برای بررسی روابط بین‌الملل می‌تواند مورد توجه قرار گیرد (قوام، ۱۳۸۶: ۴۱). از این رو، دولت‌ها می‌کوشند تصمیم‌ها و سیاست‌هایی را که به‌عنوان داده سیاست خارجی وارد محیط بین‌المللی می‌کنند، منطقی و مبتنی بر عقلانیت باشد. آنچه مسلم است این است که در کانون تصمیم‌گیری و یا سیاست‌گذاری دفاعی مبتنی بر عقلانیت نیز سعی می‌شود متناسب با اهداف ملی و تهدیدات پیش رو، از امکانات و منابع به‌نحوی استفاده شود که حداکثر نیازها را برطرف سازد و از طریق هدف‌گذاری منطقی و دقیق و انتخاب بهترین تصمیم و همچنین بهره‌گیری از تکنیک‌های مناسب، حرکت در جهت تحقق اهداف موردنظر را بدون صرف هزینه‌های گزاف نظامی تسهیل نمایند و تهدیدات محیط پیرامونی را کاهش دهند. در این میان، سیاست دفاعی زمانی جذابیت پیدا می‌کند که مشروع و مورد قبول و تأیید قرار گیرد. یکی از راه‌های ایجاد مشروعیت و مقبولیت سیاست‌ها، تدوین سیاست‌های عقلانی و منطقی است که به تولید قدرت نرم می‌انجامد. در این راستا، آنچه از خلال مصاحبه‌ها به‌عنوان معیارهای راهبرد سیاست‌گذاری دفاعی عقلانی بیان شده است و می‌تواند تولیدکننده قدرت نرم و ارتقای آن در سیاست‌گذاری شود، شامل حاکمیت نگاه ملی و فراملی در فرایند سیاست‌گذاری، تعیین نوع اهداف سیاسی و دفاعی بر مبنای منافع ملی، شفافیت در مسائل دفاعی، تصمیم‌گیری گام‌به‌گام و منظم، پیش‌بینی و تحلیل فایده



و هزینه‌ها، تطبیق سیاست‌ها با ارزش‌های فرهنگی و اعتقادات دینی مردم، لحاظ‌نمودن ارزش‌های سیاسی در تدوین سیاست‌ها و عمل به آن، بهره‌گیری از بسته‌های اطلاعاتی موثق و علمی در تدوین سیاست، استفاده مؤثر از دیپلماسی دفاعی به‌عنوان ابزار اجرایی نرم سیاست‌های دفاعی، نظارت مستمر بر کیفیت اجرای سیاست‌ها و ارزیابی آن و مطابقت راهبردهای دفاعی با سیاست‌های دفاعی و منافع ملی است. به‌طورکلی، راهبرد سیاست‌گذاری دفاعی عقلانی و مبتنی بر ظرفیت‌های قدرت نرم، مشروعیت‌بخشی و جذابیت سیاست‌های دفاعی و در نتیجه تحقق آسان‌تر آنها را در پی خواهد داشت.

- تهیه طرح‌ها و برنامه‌ها فرهنگی: یکی دیگر از راهبردهایی که در این پژوهش از میان مصاحبه‌ها به‌عنوان راهبرد ارتقای ظرفیت‌های قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی احصا شده است، تهیه طرح‌ها و برنامه‌های فرهنگی متناسب با سیاست‌های دفاعی است. در بسیاری از موارد، سیاست‌ها با بهترین نحو تدوین می‌شوند، اما به‌واسطه ضعف فرهنگی به‌درستی اجرا نمی‌شوند؛ چراکه سیاست متأثر از فرهنگ هستند. "فرهنگ به‌مثابه یکی از اجزای زیست‌جمعی بشر، چنان ظرفیتی دارد که می‌توان از آن تحت عنوان جعبه ابزاری نام برد که قادر است به اقدام‌ها و رفتارها شکل و سازمان بدهد" (عسگری، ۱۳۹۰: ۷). به‌عبارتی، فرهنگ اعمال و رفتارها را معنا می‌بخشد. از این‌رو، اجرای کیفی و مؤثر سیاست‌ها متأثر از برنامه‌های فرهنگی مناسب است.

مطابق نظریه جوزف نای، قسمت اعظم منابعی که قدرت نرم تولید می‌کند از ارزش‌های ارائه‌شده یک سازمان یا کشور، در فرهنگش ناشی می‌شود؛ به‌خصوص آن بخش‌هایی که برای دیگران دارای جذابیت است (نای، ۱۳۸۹: ۴۷). بنابراین، فرهنگ‌های پویا و زنده که دارای ارزش‌های جذاب و فراگیر هستند، زمینه مساعدتری برای مبادله دارند. طبیعی است که فرهنگ‌ها هرچه بارزتر و حاوی ارزش‌های جهان‌شمول‌تر باشند، قابلیت و ظرفیت بالاتری برای صدور و یا القای ارزش‌های خود دارند (کاظمی، ۱۳۸۲: ۳۸). بدیهی است ضعف فرهنگی و بی‌توجهی به آن، سرسپردگی به فرهنگ بیگانه و پشت‌پازدن به فرهنگ اصیل خودی و همچنین استحالته از درون را در پی خواهد داشت. شاید از این منظر است که امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) می‌فرماید: «فرهنگ از اقتصاد هم مهم‌تر است. چرا؟ چون فرهنگ، به‌معنای هوایی است که ما تنفس می‌کنیم؛ شما ناچار هوا را تنفس می‌کنید، چه بخواهید، چه نخواهید؛ اگر این هوا تمیز باشد، آثاری دارد در بدن شما؛ اگر این هوا کثیف باشد، آثار دیگری دارد. فرهنگ یک کشور مثل هواست؛ اگر درست باشد، آثاری دارد. ... بنابراین، تمرکز دشمنان روی فرهنگ بیشتر از همه جاست...» (بیانات در مورخه ۱۳۹۳/۱/۱). ایشان در بخش دیگری از بیانات خود می‌فرماید: «مسئولان

فرهنگی، باید مراقب رخنه فرهنگی باشند؛ رخنه‌های فرهنگی بسیار خطرناک است؛ باید حساس باشند، باید هشیار باشند. نمی‌خواهیم بگوییم همه آسیب‌های فرهنگی کار بیگانگان است؛ نه، خود ما هم مقصریم؛ مسئولان مختلف، مسئولان فرهنگی، مسئولان غیرفرهنگی، کم‌کاری‌ها، غلط‌کاری‌ها، اینها تأثیر داشته؛ ما همه را به گردن دشمن نمی‌اندازیم؛ اما حضور دشمن را هم در زمینه مسائل فرهنگی نمی‌توانیم فراموش کنیم (بیانات در مورخه ۱۳۹۳/۱/۱).

براین اساس، می‌توان گفت، موفقیت و شکست در سیاست‌گذاری دفاعی نیز با فرهنگ ارتباط دارد. تهیه طرح‌ها و برنامه‌های فرهنگی مناسب در پیوست سیاست‌های دفاعی به‌عنوان پیوست‌های نرم‌افزاری، یکی از عوامل موفقیت در سیاست‌گذاری دفاعی است. طرح‌ها و برنامه‌های فرهنگی می‌تواند نقش تهییج‌کننده، تجهیزکننده و تقویت‌کننده ساختار فکری، ذهنی و روحی عوامل اجرایی سیاست‌ها را ایفاء کند. بنابراین، موجب جوشش، تحرک، نشاط و جهاد در ورود به میدان عمل و صحنه کار و ابتکار برای خدمت‌کردن می‌شوند. به عبارتی، طرح‌ها و برنامه‌های فرهنگی دفاعی، به فرایند سیاست‌گذاری دفاعی فعلیت و تحرک می‌بخشد، ظرفیت‌های قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی را ارتقا می‌دهند و متولیان امور دفاعی را به انسان‌هایی مستحکم در عقیده و عمل تبدیل می‌کنند.

پیامدهای ارتقای ظرفیت قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی ج.ا.ایران

پیامدها همان اهدافی است که با اجرای راهبردها حاصل می‌شوند. به‌طور کلی، براساس نتایج حاصل از مصاحبه، پیامدهای ارتقای ظرفیت قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی در چهار مقوله زیر تقسیم‌بندی شده است:

۱. پیامدهای حوزه تدوین سیاست دفاعی؛ پیامدهایی است که منابع قدرت نرم بر نحوه تصمیم‌گیری‌های سیاست‌گذاران و فرایند شکل‌گیری سیاست‌ها اثر می‌گذارد. هدف‌گذاری واقعی و دقیق در عرصه دفاع، شکل‌دهی به ساختار ذهنی سیاست‌گذاران و در نتیجه جهت‌دهی و سرعت‌بخشی به تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، توکل به خدا و امداد الهی و عقلانی و منطقی عمل نمودن از جمله پیامدهای حوزه تدوین است.

۲. پیامدهای حوزه اجرای سیاست دفاعی؛ آثاری است که در نتیجه عملی‌شدن سیاست‌ها حین اجرای سیاست ایجاد می‌شود. جهت‌دهی به رفتار و عملکرد مجریان، فعلیت‌بخشی و تحرک‌بخشی به سیاست‌ها، تکیه بر قدرت الهی، تقویت اراده و روحیه مقاومت، جهاد فی سبیل‌الله و روحیه شکست‌ناپذیری در نیروها، تقویت امید، تهییج روحیه و ایجاد آمادگی برای دفاع، تقویت وجدان‌کاری، مسئولیت‌پذیری و کارآمدی در نیروها،



مدیریت جهادی، ایجاد ساختار دفاعی و امنیتی مردم‌پایه، تقویت بنیه دفاعی، قدرت‌سازی و کسب اقتدار دفاعی از جمله پیامدهای حوزه اجرای سیاست‌هاست.

۳. پیامدهای ملی؛ آثاری است که از کاربست ظرفیت‌های قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی در سطح جامعه حاصل می‌شود. برخی از این پیامدها شامل موارد زیر است: از بین بردن تهدیدات داخلی و ناکامی دشمن، تأمین و تحکیم امنیت ملی و منافع ملی، ایجاد آرامش و ثبات در جامعه، هویت‌سازی، بسیج عمومی و دفاع همه‌جانبه، ایجاد وحدت و همبستگی ملی، کسب مقبولیت و مشروعیت و جذابیت برای نظام سیاسی اسلامی، تقویت مردم‌سالاری دینی، تداوم و ثبات نظام سیاسی و تسهیل در جامعه‌پذیری سیاسی.

۴. پیامدهای بین‌المللی؛ پیامدهایی است که موجب کسب منفعت و ارتقای حیثیت و جایگاه کشور در عرصه سیاست بین‌المللی و نظام جهانی می‌شود و زمینه را برای تحقق اهداف و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران هموار می‌سازد. ایجاد بازدارندگی مؤثر و مصونیت‌سازی، تنش‌زدایی و اعتمادسازی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، نشر ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی، محدودسازی کاربرد تسلیحات، از بین بردن ذهنیت‌های منفی علیه جمهوری اسلامی ایران و جذب افکار عمومی جهان، ارائه چهره موجه و صلح‌طلب جمهوری اسلامی ایران و در نتیجه پیشبرد اهداف و سیاست‌های دفاعی از جمله پیامدهای حوزه بین‌المللی است که در نتیجه کاربست ظرفیت‌های قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی جمهوری اسلامی ایران قابل تحصیل است.

مدل نهایی پژوهش

پژوهشگر در کدگذاری با طرح پرسش‌هایی درباره مقوله‌ای که عموماً مشخص‌کننده نوعی رابطه است به داده‌ها رجوع کرده، به بررسی حوادث و وقایعی که تأیید یا ردکننده پرسش‌هاست، می‌پردازد (حاجی‌پور، ۱۳۹۴: ۱۷۴). بعد از تعریف مقوله محوری، با کدگذاری مجدد داده‌ها، انواع شرایط تأثیرگذار بر مقوله محوری (شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر)، کنش‌ها و برهم‌کنش‌هایی (راهبردها) که برای اداره، کنترل یا پاسخ به مقوله محوری به وجود می‌آیند و پیامدهای ناشی از آنها نیز، تعریف می‌شوند. شکل (۴)، بیانگر نتایج کدگذاری محوری در این پژوهش می‌باشد. همان‌طور که در شکل (۴) نشان داده شده است، در مرحله کدگذاری محوری سعی شد ضمن انتخاب یک مقوله به عنوان مقوله محوری، براساس ساختار مدل پارادایم داده‌ها مجدداً مورد پردازش قرار گیرند. به این ترتیب، بر مبنای ویژگی‌های که استراوس درباره مقوله محوری مطرح کرده‌اند (عبدی و نادری، ۱۳۹۷: ۴۴)، مقوله ارتقای ظرفیت قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی ج.ا.ایران،



به‌عنوان مقوله محوری در نظر گرفته شده و سعی شد با استفاده از مقوله‌های تولیدشده در مرحله کدگذاری باز و همچنین داده‌های جمع‌آوری‌شده، خط ارتباطی میان مقوله‌های پژوهش یعنی شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای و راهبردها و پیامدها برای مقوله‌محوری تعریف شوند. در نمودار زیر پارادایم کدگذاری محوری و به‌عبارت‌دیگر، مدل ارتقای ظرفیت قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی ج.ا.ایران، نشان داده شده است.



شکل ۴. مدل ارتقای ظرفیت قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی ج.ا.ایران

کدگذاری انتخابی و گزاره‌های حکمی تحقیق

برای اینکه تحلیل‌ها به نظریه تبدیل شوند، مفاهیم باید به‌طور منظم به یکدیگر ربط یابند. کدگذاری انتخابی مرحله اصلی نظریه‌پردازی است که براساس نتایج دو مرحله قبلی کدگذاری (به عنوان مراحل مقدماتی و زمینه‌ساز برای نظریه‌پردازی، مقوله‌ها و روابط مقدماتی را به‌عنوان سازه‌ها و اصول اصلی تئوری در اختیار می‌گذارند)، به تولید نظریه می‌پردازد. به‌این ترتیب که مقوله‌محوری را به شکلی نظام‌مند به دیگر مقوله‌ها ربط داده، آن روابط را در چارچوب یک روایت روشن کرده و مقوله‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند، اصلاح می‌کند. بنابراین، کدگذاری انتخابی، فرایند یکپارچه‌سازی و بهبود (پالایش) مقوله‌هاست. به‌این ترتیب که محقق با ایجاد یک آهنگ و چیدمان خاص بین مقوله‌ها آنها را برای ارائه و شکل‌دهی یک نظریه تنظیم می‌کند (Creswell, 2004: 19). گزاره‌های حکمی (قضایا)، روابط بین مقوله محوری و سایر مقوله‌ها را نشان می‌دهند که در زیر، گزاره‌های حکمی یا قضایای این پژوهش آمده است:

قضیه ۱: تقویت نقاط قوت و برطرف‌نمودن نقاط ضعف، مقابله با تهدیدها و استفاده از



فرصت‌ها، نهادینه‌سازی منابع قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی، دفاع همه‌جانبه از اهداف و منافع کشور و نظام سیاسی، ارتقای عملکرد سازمان‌های دفاعی به‌عنوان شرایط علی ارتقای ظرفیت قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند.

قضیه ۲: افزایش ظرفیت قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی ج.ا.ایران به‌عنوان مقوله محوری انتخاب شده است.

قضیه ۳: سیاست‌گذاری حرفه‌ای، فعال‌سازی و شبکه‌سازی هیئت‌های اندیشه‌ورز، سیاست‌گذاری عقلانی و تهیه طرح‌ها و برنامه‌ها مناسب به‌عنوان راهبردهایی برای ارتقای ظرفیت قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی ج.ا.ایران محسوب می‌شوند.

قضیه ۴: اعتبار سیاسی، اعتبار اقتصادی، وضعیت فرهنگی و اجتماعی، وضعیت بین‌المللی و وضعیت علمی، فناوری و اطلاعاتی بستر و زمینه‌های عام را برای افزایش ظرفیت قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی ج.ا.ایران فراهم می‌کند.

قضیه ۵: شرایط مداخله‌گر قابلیت‌های سازمانی، قابلیت‌های مدیریتی، شایستگی‌های فردی سیاست‌گذار و مجری، مدیریت دانش و عوامل بین‌المللی بستر خاص را برای تحقق افزایش ظرفیت قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی ج.ا.ایران فراهم می‌کند.

قضیه ۶: ارتقای ظرفیت قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی ج.ا.ایران پیامدهایی را هم در حوزه تدوین و هم در حوزه اجرای سیاست و همچنین پیامدهایی در سطح ملی و سطح بین‌المللی خواهد داشت.

روایت مدل یا نظریه ارتقای ظرفیت‌های قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی جمهوری اسلامی ایران

امروزه تهدیدهای نرم یکی از خطرناک‌ترین و جدی‌ترین تهدیدهای است که علیه جمهوری اسلامی ایران وجود دارد. این تهدیدها نه تنها حوزه‌های دیگر، بلکه قدرت دفاعی کشور را نیز تهدید کرده و امنیت ملی کشور را به‌مخاطره می‌اندازد. در همین راستا، به‌منظور موفقیت در سیاست‌های دفاعی و امنیتی و مقابله با تهدیدهای فرارو، افزایش ظرفیت‌های قدرت نرم در فرایند سیاست‌گذاری دفاعی امری لازم و ضرور احساس می‌شود. علاوه‌براین، امروزه نیز موفقیت در سیاست‌های جهانی، مستلزم استفاده از قدرت نرم به‌همراه قدرت سخت است. براین‌مبنا، حفظ موجودیت نظام، دفاع از کشور و تحقق اهداف و تأمین امنیت مستلزم سیاست‌گذاری مطلوب و اثربخش در حوزه‌های دفاعی و امنیتی است. لازمه این نوع سیاست‌گذاری و اثربخشی به آن، افزایش و به‌کارگیری ظرفیت‌های قدرت نرم در کنار قدرت سخت است. بنابراین، در اینجا، شرایط علی، بسترهای خاص و عام، راهبردها و

پیامدهای حاصل از افزایش ظرفیت قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی ج.ا.ایران را این‌گونه می‌توان تبیین و روایت کرد: متغیرهای علیّی یعنی تحلیل SWOT (تقویت نقاط قوت و برطرف‌نمودن نقاط ضعف، مقابله با تهدیدها و استفاده از فرصت‌ها)، نهادینه‌سازی منابع قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی، دفاع همه‌جانبه از اهداف و منافع کشور و نظام سیاسی، ارتقای عملکرد سازمان‌های دفاعی باعث توجه به بحث ارتقای ظرفیت قدرت نرم در فرایند سیاست‌گذاری دفاعی شده و خود را در سیاست‌گذاری حرفه‌ای، فعال‌سازی و شبکه‌سازی هیئت‌های اندیشه‌ورز، سیاست‌گذاری عقلانی و تهیه طرح‌ها و برنامه‌های مرتبط با این موضوع نمایان می‌سازد. همچنین شرایط مداخله‌گر همچون قابلیت‌های سازمانی، قابلیت‌های مدیریتی، شایستگی‌های فردی سیاست‌گذار و مجری، مدیریت دانش و عوامل بین‌المللی بستر خاص و شرایط زمینه‌ای همچون اعتبار سیاسی، اعتبار اقتصادی، وضعیت فرهنگی و اجتماعی، وضعیت بین‌المللی و وضعیت علمی، فناوری و اطلاعاتی بستر عام را برای افزایش ظرفیت قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی ج.ا.ایران فراهم می‌کنند و با اثرگذاری، راهبردهای ارتقای ظرفیت قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی یعنی سیاست‌گذاری حرفه‌ای و عقلانی را تسهیل و پیامدهایی مثبتی را در حوزه تدوین و اجرای سیاست‌های دفاعی و همچنین پیامدهای مثبتی را در سطح ملی و سطح بین‌المللی برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد می‌کند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تنظیم سیاست‌های مطلوب و اثربخش که بتواند حداکثر فایده را برای مردم به‌دنبال داشته باشد، یکی از اهداف مهم دولت‌ها در سیاست‌گذاری‌هاست. این موضوع در سیاست‌گذاری دفاعی به‌جهت تأثیرگذاری بر امنیت و سرنوشت کشور، در مقایسه با دیگر مسائل از اهمیت بالایی برخوردار است. بنابراین، یکی از مواردی که سیاست‌گذاران دفاعی باید به آن توجه داشته باشند، تنظیم سیاست‌ها بر مبنای اهداف و منافع ملی و توجه به ظرفیت‌ها و توانایی‌های خود است. در این‌میان، در کنار قدرت سخت، تکیه بر ظرفیت‌های قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی از جمله مواردی است که می‌تواند به کیفیت و اثربخشی سیاست‌های دفاعی بیفزاید. قدرت نرم به‌گونه‌ای ناملموس و نامحسوس و با استفاده از جاذبه‌های اعتقادی و فرهنگی، ارزش‌های سیاسی و اجتماعی جهان‌شمول، سیاست‌های مشروع و عامه‌پسند، هنجارها و رفتارهای معقول و انسانی، چهره‌ای موجه و تصویری مثبت از خود ارائه داده و موجب جذب دیگران و تغییر رفتار آنان می‌شود؛ چراکه اندیشه و سلوک افراد تاحدزیادی متأثر از عوامل فرهنگی و نرم است و در عمل، افراد تحت



تأثیر این عوامل، رفتار می‌کنند. به عبارت دیگر، کنش‌های افراد متأثر از گرایش‌های ذهنی و فکری آنهاست که ریشه در فرهنگ و ارزش‌های نرم دارد. هرچه این ارزش‌ها و فرهنگ غنی‌تر، جهان‌شمول‌تر و جذاب‌تر باشد، زمینه برای تعامل و جذب دیگران بیشتر و اعمال نفوذ و قدرت در جهت تحقق اهداف و منافع راحت‌تر خواهد بود، ضمن اینکه می‌تواند مانع و سدی محکم در مقابل تهدیدهای نرم دیگران باشند. بنابراین، در این دنیای پیچیده برای مواجهه و مقابله با مسائل نوپدید هم‌چون جنگ نرم، بهتر است در تنظیم سیاست‌های مطلوب و اثربخش از الگوهای جدیدی استفاده کرد. منظور از الگو، تصویر یا نمایشی شفاف از یک واقعیت است که روابط بین متغیرها و یا عناصر آن را مشخص می‌سازد. الگو، فهم مسائل پیچیده را آسان می‌کند و راه‌های مؤثر در برخورد با واقعیت‌ها را نشان می‌دهد. بنابراین، برای موفقیت در حوزه‌های مختلف، طراحی الگو از اهمیت بالایی برخوردار است. همان‌گونه که اشاره شد، این پژوهش به دنبال ارائه الگویی از چگونگی ارتقای ظرفیت‌های قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی ج.ا.ایران بوده است. برای این کار، با استفاده از مصاحبه با صاحب‌نظران حوزه پژوهش، اطلاعات و داده‌های لازم گردآوری و سپس براساس روش گراند‌تئوری، داده‌ها تجزیه و تحلیل کیفی گردید و الگوی موردنظر احصا شده است. حال با توجه به اینکه الگوی اکتشافی دارای ۶ بُعد و هر بُعد نیز دارای چند مقوله می‌باشد و عمل و اقدام در راستای هر کدام از مقوله‌ها به‌ویژه مقوله‌های راهبردی، می‌تواند ظرفیت قدرت نرم را در سیاست‌گذاری دفاعی افزایش دهد، بنابراین به سیاست‌گذاران دفاعی توصیه می‌شود اگر به دنبال بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت‌های قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی ج.ا.ایران هستند، به الگوی ارائه توجه نموده و اقدام مؤثر در راستای ابعاد و مقوله‌های آن را به عمل آورند.

به‌طور کلی پیشنهاد می‌شود:

۱. اهتمام ویژه به عملی نمودن مفاهیم و مقوله‌های اشاره شده در الگوی نهایی پژوهش، به‌ویژه مقوله‌های راهبردهای؛
۲. سازماندهی هیئت‌های اندیشه‌ورز به‌عنوان مرکز تولید اندیشه و بسته‌های اطلاعاتی علمی دفاعی و استفاده از خروجی آنها در تهیه و تدوین سیاست‌های دفاعی و امنیتی؛
۳. پیشقدمی سیاست‌گذار و کارگزار دفاعی در عمل به فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر جامعه، هم‌چون فرهنگ ساده‌زیستی، فرهنگ مردم‌داری، فرهنگ پاسخگویی، عدالت‌خواهی و عمل به قانون و... یکی دیگر از مواردی است می‌تواند حمایت مردم از سیاست‌های دولت به‌خصوص در حوزه دفاعی را به‌همراه داشته باشد؛
۴. طراحی و اجرای برنامه‌های اصلاح نقاط ضعف فرهنگی که نیازمند شناخت فرهنگ



جاری شامل: (ارزیابی وضعیت موجود عوامل شکل‌دهنده فرهنگ جاری، شناخت ویژگی‌های فرهنگ جاری، ارزیابی کارکردهای فرهنگ جاری) تبیین فرهنگ مطلوب شامل: (تعیین عوامل شکل‌دهنده فرهنگ مطلوب، تعیین ویژگی‌های فرهنگ مطلوب، تعیین کارکردهای موردانتظار از فرهنگ مطلوب) است که منجر به تحلیل شکاف- تعیین نقاط قوت - تعیین حوزه‌های قابل بهبود می‌شود؛

۵. توجه خاص به اهداف و ابزارهای نرم‌افزاری سیاست‌گذاری دفاعی؛ همچون، بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت قدرت نرم دیپلماسی دفاعی در جهت پیاده‌سازی سیاست‌های دفاعی با استفاده از دیپلمات‌های مجرب و کاردان؛

۶. تدوین منشور فرهنگی دفاعی. در گام اول کاربست قدرت نرم، نیازمند تدوین منشور فرهنگی مربوطه و اسناد راهبردی مرتبط است؛

۷. تهیه پیوست‌های فرهنگی برای سیاست‌های دفاعی به‌منظور ارتقای انگیزه‌های اعتقادی و روحی متولیان اجرایی سیاست‌های دفاعی؛

۸. استفاده بهینه از فناوری‌های ارتباطی و رسانه‌ای در جهت نشر و تبلیغ ارزش‌های فرهنگی در حوزه دفاعی؛

۹. به ارزیابی اثربخشی راهبردها پس از اجرا توجه شود.

منابع

- آقاجانی، احمد و عسگری، محمود (۱۳۹۰)، نقش‌آوری اتاق‌های فکر در سیاست‌گذاری دفاعی - امنیتی، فصلنامه راهبرد دفاعی، ش ۳۲: ۱۳۷ - ۱۷۲.
- اسمیت، کوین‌بی و لریمر، کریستوفر دبلیو (۱۳۹۶)، درآمدی نظری بر سیاست عمومی، ترجمه بهزاد عطارزاده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ نخست.
- افتخاری، اصغر و کمالی، علی (۱۳۹۴)، ساختار قدرت نرم در گفتمان اسلامی، قدرت نرم، س پنجم، ش ۱۲.
- تهامی، سیدمجتبی (۱۳۹۰)، امنیت ملی، اکثرین سیاست‌های دفاعی و امنیتی، ج اول و دوم، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش، چ اول.
- جعفری، عمار و کریمی، فریبا (۱۳۹۶)، سیاست‌گذاری حرفه‌ای در نظام آموزشی در هزاره سوم باتأکید بر مبحث آینده‌پژوهی، ماهنامه علمی - تخصصی شباک، ش ۱۰.
- جمالی، علی (۱۳۹۷)، تأثیر عوامل قدرت نرم انقلاب اسلامی بر پیشگیری از تهاجم نظامی نظام سلطه به جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست دفاعی، ش ۱۰۳.
- جنیدی، رضا و ملائی، مسعود (۱۳۹۸)، راهبردهای مبتنی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با قدرت هوشمند ایالات‌متحده آمریکا، فصلنامه راهبرد سیاسی، ش ۸.



حاجی‌پور، ابراهیم (۱۳۹۴)، طراحی مدلی آسیب‌شناسی اجرای خط‌مشی عمومی در ایران، رساله دکتری، رشته مدیریت گرایش سیاست‌گذاری عمومی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس.

حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۶)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، انتشارات سمت.

حسنلو، خسرو (۱۳۸۸)، مروری بر مفاهیم جنگ، انتشارات علوم و فناوری دفاعی.

حیات‌مقدم، امیر و کلانتری، فتح‌الله (۱۳۹۷)، سالنمای دفاعی - امنیتی محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی، چ اول.

حیدرخانی، صادق (۱۳۷۶)، اصول و مفاهیم صورت‌بندی (سلسله‌مراتب) استراتژی، فصلنامه مطالعات بسیج، ش ۱۵.

دانایی‌فرد، حسن و امامی، سیدمجتبی (۱۳۸۶)، استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، فصلنامه اندیشه مدیریت، ش ۲.

رشاد، افسانه (۱۳۹۴)، کارکرد قدرت نرم در فرایند سیاست خارجی و امنیت ملی ج.ا.ایران (۱۳۵۷ - ۸۹)، رساله دکتری، رشته روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

زهدی، یعقوب و عسگری، محمود (۱۳۸۷)، شاخص‌های ارزیابی سیاست دفاعی، فصلنامه راهبرد دفاعی، ش ۲۳.

سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۵)، اصول روابط بین‌الملل (الف و ب)، چ پنجم، تهران: نشر میزان.

- عبدی، بهنام و نادری، علیرضا (۱۳۹۷)، ملاحظات سیاستی استقرار فرهنگ دفاعی آینده‌نگر در راستای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت براساس تدابیر مقام معظم فرماندهی کل قوا (مد ظله‌العالی)، فصلنامه آینده‌پژوهی، س دوم، ش ۶.

- عسگری، محمود (۱۳۸۹)، چارچوبی برای تبیین دیپلماسی دفاعی، نامه دفاع، مرکز تحقیقات دفاعی راهبردی، ش ۱۷.

غریباق زندی، داود (۱۳۸۹)، درآمدی بر سیاست‌گذاری امنیت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چ اول.

- قیصری، نوراله و خضری، احسان (۱۳۹۵)، سیاست دفاعی نظام جمهوری اسلامی ایران: بررسی اسناد کلان، فصلنامه رهیافت اسلامی، س دهم، ش ۳۷.

لباف، فریبا (۱۳۹۰)، مقابله با جنگ نرم در دانشگاه، باتاکید بر نقش اساتید و دانشجویان، فصلنامه توسعه مدیریت منابع انسانی و پشتیبانی، ش ۲۱.

محمدی فانج، اصغر (۱۳۹۴)، طراحی مدلی برای ارتقای ظرفیت سیاست‌گذاری در ایران، رساله دکتری، رشته مدیریت گرایش سیاست‌گذاری عمومی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس.

محمدی، منوچهر (۱۳۸۷)، منابع قدرت نرم، سرمایه اجتماعی نظام جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه ۱۵ خرداد، ش ۱۶.

ملک‌محمدی، حمیدرضا (۱۳۹۴)، مبانی و اصول سیاست‌گذاری عمومی، تهران: انتشارات سمت، چ اول.

میرزایی، خلیل (۱۳۹۰)، شیوه علمی مقاله‌نویسی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسانه، چ دوم.

نای، جوزف (۱۳۸۹)، قدرت نرم، ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، چ سوم، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

نجفی، سجاد و خسروی، علی‌رضا (۱۳۹۸)، مؤلفه‌های افزایش قدرت نرم و عمق راهبردی ایران در سوریه و عراق پس از ظهور داعش، فصلنامه آفاق امنیت، ش ۴۳.

- وحیدی، موسی‌الرضا (۱۳۸۶)، فراتکنولوژی و تحول مفهوم قدرت در روابط بین‌الملل، فصلنامه مطالعات راهبردی، س دهم، ش چهارم.

- هرسیچ، حسین و همکاران (۱۳۸۸)، ژئوپولیتیک قدرت نرم ایران، پژوهشنامه علوم سیاسی، س چهارم، ش ۲.

Anderson, James E. (1994), Public Policymaking: And Introduction, 2nd ed, Geneva, IL: Houghton Mifflin.

-Baldwin, D. (2003). Power and International Relations, In W. Carlsnaes et al. (eds). Handbook of International relations, London: sage.

Creswell, J.W. (2004). Research design: Qualitative and quantitative approaches.

Creswell, J.W. (2005), Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research (2nd edition).

-Lasswell, Harold (1951), the policy Orientation, in Daniel Lerner, Harold Lasswell, the policy sciences: recent Developments in scope and Method, Stanford: Stanford university press.

Ney, Josef (2002), the Paradox of American Power, Oxford: Oxford University Press.

Strauss, Anselm L., & Corbin, Juliet (1998), Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory, 2nd Ed., Sage.

